

ایستاد هفت

سال سی و ششم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴
ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۱

سید احمد رضا قائم مقامی | سید محمد حسین حکیم | فرزاد ضیائی حبیب آبادی | علی کاشفی خوانساری
سید علی میرافضلی | حمید عطائی نظری | عرفان پاپری دیانت | مرتضی کریمی نیا | امید حسینی نژاد
شیوا امیرهدایی | جویا جهان بخش | شیرین فراهانی | امید طبیب زاده | امیر حسین آزاد | رسول جعفریان
اشکان خطیبی | مریم حسینی | حیدر عیوضی | آریا طبیب زاده | مجید جلیسه | میلاد بیگدلو | کیامهر نامور
علی نیک زاد | امید رضائی | گلپر نصری | امیر ارغوان | علی کاملی | اکبر ثبوت | علی راد

ابن مقفع | طومار (۱۰) | نوشتگان (۱۲) | خراسانیات (۴) | اهتمام ناتمام

بتخانه سومنات | چاپ نوشت (۱۸) | نسخه خوانی (۴۰) | گزارش یک زندگی

آینه های شکسته (۸) | حکایت زنگی بسکردی | با همدلان عین القضاات

فخر مدبر و شجره نسبش | امیر حسینی هروی و خیام | فتح خوارزم و بیتی از عنصری

یادداشت های لغوی و ادبی (۴) | کهن ترین ترجمه فارسی انجیل | گفت وگو درباره پاسخی به یک نقد

برگی از تاریخ گیاه شناسی در ایران | معرفی شاهنامه موزخ ۸۰۸ هجری | نسخه شناسی مصاحف قرآنی (۲۲)

دو کلمه از آثار باقیه ابوریحان بیرونی | «دیباچه» از یاد رفته سیر حکمت در اروپا

نقدی بر تصحیح اخیر دیوان ابوالفرج رونی | شیخ سغدی در نظامیه چه می گزده است؟!

خلاقیت یا اقتباس در سندنویسی دوره قاجار | نقد ترجمه فارسی اخلاق اسپینوزا اثر محسن جهانگیری

مدخل ادبیات کودک در دانشنامه ایرانیکا و حاشیه هایی بر آن

اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نکته، حاشیه، یادداشت | پیوست آینه پژوهش: وزن های سیمین بهبهانی

کاتب گمشده‌های خاموش

سعید پورعظیمی

آن یارِ خلوت خواه که به خاطر شوقِ وصف ناپذیر به کتاب، تنوع تألیف، قدرت استدلال، نگرش انتقادی، نثر پاکیزه، حافظه نیرومند و مشی ناسازگار می‌توان او را «ابوحیانِ معاصر» نامید بسیار کمتر از آنچه خواننده و اندیشیده مکتوب کرده و اگر جهدِ «کشنندگانِ ناپدید»^۱ (همچون استاد حسین معصومی همدانی) نبود، او خود به سختی تن به نشر نوشته‌هایش می‌داد.

علیرضا ذکاوتی قراگزلو دهه‌ها در سایه ماند و خواند و نوشت؛ اما اگر آن چنان که حافظ می‌گفت «محکِ تجربه» در میان آید، آشکار می‌شود که مکتوبات موجز و کمتر شناخته‌شده او در صحت و اعتبار، بر نگاشته‌های بسیاری از سرشناسان و مجلس‌آذینان رجحان دارد. احاطه کم‌نظیرش به پهنه‌های پنهان‌مانده از تاریخ ادب و فرهنگ ایرانی و اسلامی، ادیان، فرق و مذاهب، نحله‌های کلامی و طرایق عرفانی و خاصه شعر و ادبیات عرب، علاوه بر آنکه از او شخصیتی نادر برآورده، نوشته‌هایش را مشحون نکته‌بینی‌های مستند به منابع اصیل ساخته که در عین ایجاز - که از خصایص نثر اوست - زوایای تاریک موضوع را بر آفتاب می‌اندازد.

ذکاوتی کاتبِ گمشده‌های خاموش و مشعل دار ویران‌سراهای متروک تاریخ است. خطوطی محو و بریده از جاحظ بصری و ابوحیان توحیدی و بدیع الزمان همدانی و ابومحمد قاسم حریری را تنها در مرقومات پراکنده مستشرقان و تذکره‌واره‌های برخی معاصران می‌دیدیم؛ حتی اوراق تحقیقی درباره ابن سبّین و ابن فارض و وَرَقَة بن نوفل و ابونعیم اصفهانی به زحمت به چند برگ می‌رسید؛ ذکاوتی بود که با تکیه بر منابع اغلب عربی، غبارِ قرون را از سیمای این شخصیت‌ها تکاند و دستاوردهای آن‌ها را در ساختاری روشمند و انتقادی عرضه کرد. نخستین یادداشت به زبان فارسی درباره رساله الملائکه ابوالعلائی معری همراه ترجمه گزیده‌ای از کتاب از آن اوست. و می‌توان گفت یکی از بهترین کتاب‌ها را درباره عمر خیام نوشت و به برخی از کشمکش‌ها درباره شخصیت تاریخی خیام و چند و چونِ رباعیاتش فیصله داد. کسانی عقیده دارند مضمون رسالات انگشت شمار خیام با رباعیاتش تناقض دارد. تفاوت کار ذکاوتی با دیگران در این بود که کوشید رباعیات خیام و دیگر ریخته‌های قلمی او را در بافت تاریخی روزگارش تحلیل کند و

۱. مثنوی پویان، کشنده ناپدید / ناپدید از جاهلی کیش نیست دید (مثنوی معنوی، به سعی و اهتمام و تصحیح رینولد آلین نیکلسون، لیدن: مطبعة بریل، ۱۹۲۹م، دفتر چهارم، ص ۲۷۸).

طرحی منسجم و بی‌تناقض از منظومه فکری خیام به دست دهد. نقدهایش به ناهمواری‌های شعر حافظ شیرازی بی‌سابقه بود و اگرچه برخی از این خرده‌گیری‌ها در باب شماری اندک از بیت‌ها و ناهمسازی‌های معنایی در محور عمودی شعر حافظ به گمانم پذیرفتنی نیست؛ سرجمع، تازه و تهورآمیز بود و بر دو نشانه می‌زد: هیچ شاعری بر فراز نقد نایستاده و قربانی کردن دیگر شاعران و گردن‌فرازان سخن فارسی در پیشگاه حافظ جفاست.

نیم‌نگاهی به آنچه درباره نقطویه و حروفیان نوشت نشان می‌دهد که چگونه با توسل به دانسته‌هایی اندک‌یاب، مرموز و پراکنده توانسته نظام فکری و عقیدتی نقطویان را ترسیم کند. آنچه درباره نهضت مُشعشعی و کلام‌المهدی نوشت نیز از این دست است.

مقالات تحلیلی و انتقادی‌اش در نقد پست و بلند میراث ملاصدرا اگرچه تحسین صدراشناسان و محققان فلسفه مسلمانان را برانگیخت؛ از سوی برخی محافل صاحب نفوذ - به ترفند سکوت - نادیده گرفته و حتی به حاشیه رانده شد. برای صدرا دوستان و صدراپرستان معاصر، زخمی کوچک نبود وقتی پرده از یک «سرقت» یا دست‌کم «انتحال» برداشت و برملا کرد که فصل «فی عشق الطرفاء و الفتیان للأوجه الحسان» در اسفار ملاصدرا بدون یک حرف پس و پیش، رونویسی از رسائل اخوان الصفا بوده است که صدرا یا شاگردانش عامدانه فراموششان شده که از آن نامی ببرند! وقتی یک فصل از کتابی بنام مُنتحل باشد، باید سطر سطر تصنیفات صدرا المتألهین را موشکافانه واریسی کرد تا مبدا از ابن عربی، سهروردی یا حتی میرداماد و دیگران فقراتی ریز و درشت دست‌چین کرده باشد؛ با این وصف، بیراه نیست اگر کتاب سیر تاریخی نقد ملاصدرا نقطه عطف مطالعات صدراشناسی به شمار آید.

در ترجمه‌هایش فاصله زبان اصل و فارسی چنان از میان برخاسته که گویی هم از نخست به فارسی سخته و پخته انشا شده‌اند. ترجمه اثر پُرآوازه و کلاسیک شده آدام مئز، شرق‌شناس سوئیسی، از متن عربی (الخصارة الإسلامية في القرن الرابع الهجري أو عصر النهضة في الإسلام، تعريب محمد عبد الهادی ابوریة) با عنوان تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رنسانس اسلامی)، تشیع و تصوف (کامل مصطفی الشیبی)، تاریخ ادبی عرب (احمد شوقی ضیف)، تللیس ابلیس (ابن جوزی)، دولت حمدانیان (فیصل السامر)، اسباب النزول (واحدی نیشابوری)، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام (عبدالحی کتانی)، هجرت به حبشه (محمد فارس الجمیل) هر یک ارتفاهی ستودنی دارند. ترجمه فقراتی از البخلاء جاحظ، لطایفی از الأغانی ابوالفرج اصفهانی، نشو و نما المَحاضرة قاضی ابوعلی تنوخی، لطائف الطرفاء من طبقات الفضلاء ابومنصور ثعالبی نیشابوری، منتخباتی از شعر و نثر

ابوالعلائی مَعَرّی، گلچین‌هایی از الحُمَقی و الْمُغَفَلین و حکایات عقلای مجانین در صِفَةُ الصَّفْوَةِ ابن جوزی، مُحاضرات ابوالقاسم راغب اصفهانی، رَبِیعُ الْاَبْرار جاراالله زَمَخْشَری، تاریخ بغداد خطیب بغدادی، زَهْرُ الرِّیْع سید نعمت‌الله جزایری و دیگر برگردان‌هایش رشک‌انگیزند.

نوع ادبی مقامه پس از بدیع‌الزمان همدانی و کامیابی چشمگیر او در این شیوه محبوب‌القلوب نویسندگان عرب و شیفتگان دشوارنویسی مصنوع در زبان فارسی شد. بدیع‌الزمان صحنه‌ای آفرید که گهگاه مقامه‌نویسان را تا سرحدّ جنون زبانی در به کار گرفتن عباراتی گنگ و نامفهوم و سخت متکلفانه پیش می‌برد. پاره‌هایی از متن عربی کتاب آن چنان پیچیده است که عرب‌زبانان و حتی عربان عاربه نیز در برابرش بر خاک افتاده و سپر می‌افکنند و مترجمان را یارای پنجه زدن با آن نیست؛ اما ذکاوتی در کتاب بدیع‌الزمان همدانی و مقامات نویسی «مَقَامَةُ الْمَضِیْرَةِ»، «مَقَامَةُ الْوَصِیَّةِ» و «مَقَامَةُ الْحُلُوَانِیَّةِ» بدیع‌الزمان و «المَقَامَةُ السَّاسَانِیَّة» حریری را با حفظ انسجام و امانت و موسیقی سازِ سجع و لحن و زبان شوخ و شنگ مقامات، به نقشی درخشان در کسوت کلمات فارسی ریخت:

۶۲۵

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴

عیسی بن هشام گوید: همراه حاجیان از سفر حج بازمی‌گشتیم که در خلوان منزل کردیم. سر و تن را مویناک یافتم و بدن را بویناک. غلام را گفتم حمامی بجوید با دلاکی که ما را بشوید؛ لیکن حمامی باید فراخ‌بنیاد و تازه‌آباد، با منظری دلکش و هوایی خوش و آبی پاک و دلاکی چالاک، که تیغش تیز باشد و لنگش تمیز، خوش طاس و خوش لگن، پُرکار و کم سخن.

زبان و ادبیات و فرهنگ عامیانه و ساده‌نویسی متون کهن از دیگر دل‌بستگی‌های اوست. کتاب‌های فَرَايِدُ السَّلَوَک، رموز حمزه و محبوب‌القلوب در این حیطه جای می‌گیرند. اسکندر و عیاران (تلخیص از کلیات هفت جلدی اسکندرنامه نقالی منوچهرخان حکیم)، اسکندرنامه (بخش خَتا)، اسکندرنامه (از فرنگ تا هندوستان، بازسازی کهنه‌ترین نسخه اسکندرنامه نقالی، منسوب به منوچهرخان حکیم) و مقالاتش در اسکندرنامه‌شناسی قدر و اعتباری یگانه دارند. در پیش‌گفتار اسکندرنامه (روایت آسیای میانه) می‌خوانیم: «ذکاوتی صاحب‌نظرترین پژوهشگر در زمینه اسکندرنامه عهد صفوی است.»^۱ به دلیل انس دیرین با تحریرها و نسخه‌های مختلف اسکندرنامه توانست اوراق درهم‌ریخته

۱. اسکندرنامه (روایت آسیای میانه)، باقی محمد بن مولانا یوسف، به اهتمام حسین اسماعیلی، تهران، معین، ۱۳۹۲، ج ۱، پیش‌گفتار: ص ۱۱۶.

کهن‌ترین دست‌نویس اسکندرنامه نقالی را در جای صحیح خود بنشانند، متن را از آشفتگی برهاند و نسخه‌ای منقح سامان دهد. این مایه از احاطه را در متنی عربی هم به رخ کشید: در نسخه خطی اساس طبع احمد امین و احمد الزّین از الإمتاع و الموائسة ابو حیان^۱ شانزده برگ برکنده از نسخه در پاره ای نادرست از متن گنجانده و وصالی شده بوده؛ اما مصححان کتاب این خطا را درنیافته بودند. ذکاوتی با ذکر این اشتباه، محل صحیح اوراق سرگردان را نیز معلوم کرد.

بیش از دویست معرفی کتاب در کارنامه اوست: گزارش‌هایی از ارج یا بی‌ثمری، قوت و سستی، خطاهای مختصر و فاحشِ رخنه کرده در تصحیح و ترجمه و تحلیل آثاری در قلمرو زبان و ادب فارسی و عربی. به دست دادن سیاهه‌ای هرچند کوتاه از این نوشته‌هایش فوق طاق است.

ذکاوتی اندیشمندی باهوش و ناسازگار و ضد روح قاهر زمانه خویش بوده است. در عصری که قاطبه مردمانش به هر آلت و شعبده تقلاً می‌کنند تا برق حضورشان چشم‌ها را در کاسه‌ها بگرداند، در موسم مقاله‌بافی و طبخ کتاب، در هنگامه ذبح فضیلت و زوال اخلاق، در عهد حسد ریاست، بی‌نیاز و قلندرانه و گریزان زیسته: از نام و جاه و محافل، از حرص و رنگ و تعلق؛ از این است که نه خشمین دیدمش نه پریشان. یک‌بار که موّرخ نام‌خواه او را به کاری برانگیخت و با لفت و لعاب القاب او را ستود، گذشته از واژدن پیشنهادش، گفت: «همین اسم علیرضا هم زیاد است.» ذکاوتی از آن دست مفردانی است که پایگاه و منزلت او در دهه‌های آتی و در غیاب ما افزون‌تر خواهد شد؛ چرا که بیهوده و به آزار نام و نان گرم قلم نچرخانده، به بهای آوازه آتش در آب خویش نینداخته و در هرآنچه نوشته شعله درد روشنگری زبانه می‌کشد.

۶۲۶

آینه پژوهش | ۲۱۱

سال ۳۶ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۴



۱. الإمتاع و الموائسة، ابی حیان التوحیدی، صَحَّحَهُ وَ صَبَّطَهُ وَ سَرَّحَ عَرَبِيَّةً: احمد امین و احمد الزّین، قاهره، مطبعة لجنة التأليف و الترجمة و النشر، ۱۹۳۹-۱۹۴۴ م.